

روزگار یک داوطلب

بهترین بابای دنیا

شار مین میمندئیزآءه

● الف.ب.پ. آتا، بنیتا، پریا و تو- تصور نکن در این رنج‌نامه، نوبت همه حروف الفبا نخواهد رسید. دو میلیون معتاد، در اوج سی‌ه‌روزی، زندگی کودکان سرزمینمان را تاریک کرده‌اند و من و تو بی‌خبریم. ت مثل تینای کوچک ۱۰ساله‌مان. در کنار گورستان، آنجا که تنها نگاه‌ها گذر می‌کنند، از نخاله‌بالا‌هه آلونگ و کبری ساخته‌اند و تنها پیشیناش از شهرنشینی، مخدر و اعتیادش است و زندگی‌شان به گدایی گورگردی می‌گذرد. بطری کلاب به دست، فاتحه‌ای بر لب، شریک غم عزاداران می‌شوند و دستی به تكدی در این مژئیه رفتن‌ها بالا می‌آورند. تینا؛ نام یکی از دختران کدای گورستان است و امروز روزی است که زندگی این دختر گورگرد را پیگیری می‌شویم؛ درحالی‌که می‌دانیم از فرصت مدرسه گذشته و بازی‌های کودکی‌اش در قبرستان دفن شده و بهار زندگی‌اش، به ماتم زمستانی عزاداران دوخته شده است. این سرنوشت تلخ، زمانی تلخ‌تر می‌شود‌که کنار کپر تینا می‌روی تا حال این دختر سوسو،نغذیه‌ای نحیف و چُرده را از پدرش جویا شوی. پدر که تازه با آمدن ما، از خوابی سنگین با غرولند بیدار شده، در پیش پای آلونگ مکس‌زده‌اش می‌نشیند و با فندک آتمی‌اش سیگاری می‌گیراند و به گوشه لب‌های قیطانی‌اش می‌گذار. چند کلمه ساده بین ما و پدرش رد و بدل می‌شود. تینا نیز خیره به دوردست گورستان، خرد بر زمین فرو می‌شود و می‌نشیند. پدر در پاسخ سوسوالمان، بی‌ربط، شروع به تحقیر و توهین به تینای کوچک می‌کند. دختر ۱۰ساله‌اش را که روزانه ۳۰ تا ۴۰ هزار تومان از گورستان برای او پول به خانه می‌آورد، به فحشا متهم می‌کند و هرازچندگاه، با دست سنگینش، ضربه‌ای مرم‌بار به سر تینا می‌کوبد و خود را به‌ترسنا پدر دنیا خطاب می‌کند و خطابه‌اش را با ادعای اینکه نگاه همه چیز دارد و قدر نمی‌داند، ادامه می‌دهد. میان صحبت‌هایش پیراهن زنانه بلندی که بر تن تینا زار می‌زند را می‌گیرد و می‌کشد و کودک را بر خاک سرفاکن‌دگی می‌مالد. تینا خود را دوباره جمع و جور می‌کند. این بار آستین‌های پیراهن که تا انگشتان دستانش پایین می‌آمد، بالا رفته و دستان تینا، بر آن ظهر گرم، پیدا می‌شود. تینا با شرمندگی، نقطه‌ای در روی گور، دستش را با انگشت شست می‌مالد و در غمش که بی‌تاب شده، به دنبال قطره اشکی از چشمان خشک شده‌اش می‌گردد که بر عزای این روزگارش فرو بریزد. از حرکت شست بر پشت دستش نگاه ما نیز به آن حرکت عصبی خیره می‌شود. تینا نگاه همه جمعیت امام علی(ع) به خونی جابه‌جا می‌شود و تکه‌گوشتی جزغاله‌شده، به چشم می‌آید. پدر ته‌سیگار از لب می‌گیرد و به سمت فرزندش پرت می‌کند و تینا ترسیده، آستین‌های بزرگ پیراهن زنانه را تا روی انگشتانش می‌کشد. دیگر همه چیز را فهمیده‌ای. وقتی یکی از خاتم‌های ممدکار عضو جمعیت امام علی(ع) به بهانه ن‌کردن لباس تینا، او را به حمام می‌برد. تمام بدنش را جاسیگاری هوس‌های مدعی بهترین پدر دنیا می‌یابد؛ همان بابایی که می‌گوید نگذاشته‌ای در دل کودکش تکان بخورد. همان بابایی که به تازگی راه تحمل این زندگی گورگردی را در مصرف مواد به دخترش اموخته است. این همه داغ، این همه زخم، بر تن فرزند میهنم؛ تقصیر یا کیست؟! تو بخواب ای بهترین پدر دنیا در کپر کنیفت، پایان زخم‌های فرزندان این سرزمین همه پدران به‌خواب‌رفته در کپرها را بیدار خواهد کرد. شاید آن روز، دیر باشد برای پاسخ به این داغ‌ها.

«مؤسس جمعیت امام علی (ع)

شهرزاد همتی؛ «کالایی شدن مدارک دانشگاه و غلبه نگاه کمی به فعالیت‌های علمی که نشئت‌گرفته از آیین‌نامه‌های ارتقای اعضای هیئت علمی است، راه سوء‌استفاده استادان از دانشجویان تحصیلات تکمیلی را برای ارتقای درجه و ایجاد رزومه برای خود هموار کرده که این‌مهم به سطح علمی استادان و کیفیت آموزش دانشگاه‌ها ضربه زده است. این مهم جز با اصلاح قوانین و آیین‌نامه‌های بالادستی که ملاک و معیار رتبه‌بندی استادان را کمی تلقی می‌کند و از نگاه به امور کیفی غافل است، بهبود نخواهد یافت. شایسته است مدیران عالی‌رتبه و تصمیم‌گیران حوزه وزارت علوم با اعمال تغییرات اساسی در این قوانین، مانع از ادامه این روند مخرب شوند تا بیش‌ازاین جایگاه ارزشمند علمی دانشگاه‌ها به واسطه کمیت‌محوری تزلزل نیابد». این بخشی از بیانیه‌ای است که بیش از هشت هزار نفر از دانشجویان در ذیل کمپینی با نام نجات دانشگاه آن را امضا کرده‌اند. کمتر از دو ماه از ماجرای گرمای دانشگاه شهید چمران اهواز و تحصن دختران این دانشگاه گذشته است. هر روز خبری از برگزارندین جلسات انجمن‌های صنفی به گوش می‌رسد. فعالان رسانه‌ای و سیاسی به دلایل متعدد از ورود به دانشگاه‌ها ممنوع می‌شوند. دانشجویان و تشکل‌های صنفی بارها به صورت دسته‌جمعی به وزارت علوم رفته‌اند و با درهای بسته روبه‌رو شده‌اند. از طرفی پولی‌شدن هر حرکت علمی در دانشگاه، انگار تیر خلاصی برای دانشجویانی است که نام نخبه را یک می‌کشند. برای همین است که آنها می‌گویند این روزها حال دانشگاه خوب نیست. انگار توقیف، تهدید و احضار قرار نیست پایش را از روی گردن دانشگاه بردارد. دانشجویان می‌گویند در برهه‌ای مختلف دانشجویان بودند که با حرکت‌های گسترده توانسته‌اند تغییرات جدی را در نبض حیات اجتماعی و سیاسی کشور ایجاد کنند. از ۱۶ آذر که خیابان دانشگاه به خون آذر شریعت و بزرگ‌نیا رنگین شد، تا پیروزی انقلاب و سردادن سرود یار دستانی، از اصلاحات تا امروز که نوبت به اعتدال رسیده، دانشجویان شرایط اصلی حرکت‌های اجتماعی و سیاسی را در دست داشته‌اند. آنها پس از گذراندن دوران هشت‌ساله احمدی‌نژاد، به امید بازگشت همان امیدی که دولت تدبیر و امید از آن دم می‌زد، دوباره امیدوار شدند. آمدن رضا فرجی‌دانا در وزارت علوم، اعتراض به وضعیت بورسیه‌ها، جرقه‌ای برای شروع بود؛ اما این جرقه‌ها با استیضاح و برکناری فرجی‌دانا خاموش شدند. وزیر علوم تا لحظه نگارش این گزارش محمد فرهادی است. او با رسانه‌ها میانه خوبی ندارد. مدیران رسانه‌ای او در پاسخ به نامه‌های مکرر روزنامه «شرق» برای گفت‌وگو اعلام می‌کنند وزیر و تیمش رسانه‌ای نیستند؛ اما مسئله رسانه‌ای‌نبودن فرهادی نیست. فرهادی به گفته دانشجویان از این وزیربودن خوشحال نبوده و تلاشی‌هم برای حل بحران‌ها نکرده. در ماه‌های اخیر مطالبات صنفی دانشجویان بارها منجر به تحصن آنها شد و با رأی دوباره به تدبیر دانشجویان با امید بازگشت فرجی‌دانا یا کسی شبیه به او دوباره امیدوار شدند. کمپین نجات دانشگاه در راستای همین بیم و امیدها شکل گرفت. امیدهایی که دوباره در نطفه خاموش شدند. خبری از آمدن آدم‌هایی شبیه فرجی‌دانا در وزارت علوم نیست. اسامی مطرح‌شده آن‌قدر عجیب است که دانشجویان می‌گویند کاش فرهادی با همه بی‌حوصلگی‌هایش باقی بماند. جمعه‌شب، تویتربا به هشتک‌های وزارت فرمایشی

و نجات دانشگاه پر شد. در راستای همه این اتفاقات سعید سلیمانی، دبیر اتحادیه انجمن‌های علمی مهندسی مواد- دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی مواد علم و صنعت، عرفان ثبوتی، دبیر شورای صنفی دانشگاه علم و صنعت- کارشناسی ارشد مهندسی مواد دانشگاه علم و صنعت، مهدی پرنیانی، دانشجوی کارشناسی رشته مهندسی مواد دانشگاه امیرکبیر، عضو شورای مرکزی ناظر بر نشریات دانشگاهی وزارت علوم، شهاب‌الدین شهسوارزاده، دبیر انجمن اسلامی دانشجویان آزاداندیش دانشگاه علامه طباطبائی، دانشجوی کارشناسی دانشگاه علامه، پیش از به‌یمان‌آمدن دو کاندیدای فعلی وزارت علوم به «شرق» آمدند و از دغدغه‌هایشان گفتند. آنها می‌خواهند دیده شوند. دانشجویان، زنان، فعالان اقتصادی و اجتماعی، در یک صف ایستاده‌اند و درباره کابینه ۲۴میلیونی با حسن روحانی دردلد می‌کنند.

❧ چه شد که فکر کردید باید دانشگاه را نجات دهید؟ اصلا این ماجرا از کجا پیش آمد؟

در ابتدا بهتر است راجع به کلمه نجات یک توضیح بدهم. زمانی می‌بینیم یک نفر دچار مشکلی شده و می‌رویم او را از بحران خارج کنیم و نجاتش دهیم؛ زمانی هم می‌بینیم یک نفر وارد بحران می‌شود و جلویش را می‌گیریم یا یک خطی تهدیدش می‌کنیم و جلویش را می‌گیریم؛ هر دو اینها مصداق نجات است. ممکن است خیلی‌ها فکر کنند

که دانشگاه ما به معضلی دچار شده و ما می‌خواهیم بگوییم که دانشگاه باید نجات پیدا کند؛ اما این اشتباه است؛ دانشگاه تک‌بعدی نیست و چند بُعد دارد. همین که ما الان چهار نفر از چهار حوزه مختلف دانشجویی اینجا هستیم، خودش نشان‌دهنده تعدد ابعاد دانشگاه است؛ یعنی قرار نیست که ما در یکی از زمینه‌ها بگوییم دانشگاه دچار افول شده یا دچار افول خواهد شد. به نظر ما دانشگاه در مسیری قرار گرفته که این مسیر آن را به بیراهه خواهد برد. این مشکلاتی که دانشگاه‌ها دارند، در بیانیه‌ای که ما نوشتیم، تجلی پیدا کرده؛ این مشکلات اعم از بورسیه‌های فراوان و کالایی‌شدن علم و ترک کارورزی، تخصیص نیافتن بودجه کافی، لغو مجوزها و مشکلات دیگری که ما فقط به فرازهایی از آنها اشاره کردیم، است. در واقع همه اینها دانشگاه را به

فعالان دانشجویی در میزگرد «شرق» از کمپین نجات دانشگاه می‌گویند

دانشگاه اولویت دولت نیست



مسیری می‌برد که به سمت افول می‌رود. ما می‌خواهیم دانشگاه را از این مسیر نجات بدسیم تا دانشگاه به آن شان حقیقی خویش بازگردد. پس آن نفس نجات دانشگاه که برای این کمپین استفاده شده، نشئت‌گرفته از همین حقیقت است؛ خارج‌کردن دانشگاه از مسیری که آن را می‌برد به سمت ویرانی و نجات‌دادن از یک مسیر غلط.

❧ می‌گویند شرایط نسبت به دولت‌های قبلی بهتر است. شما چه انتظاراتی از وزارت علوم و دانشگاه داشتید که برآورده نشد؟ چه کارهایی کردید برای گنتمان با مسئولان دانشگاه که برآورده نشده که قرار شده این کمپین را تشکیل دهید و این کمپین چه سازوکاری دارد و قرار است برای شما چه‌کار کند؟

مشکل اصلی‌ای که ما در دانشگاه با آن مواجه هستیم، نشئت‌گرفته از سیاست‌گذاری‌های نادرست در ابعاد مختلف فعالیت‌های دانشجویی است. الان ما در اینجا چهار جناح؛ نشریات دانشجویی، انجمن‌های اسلامی، شوراهای صنفی و انجمن‌های علمی داریم. ما در شرایطی قرار داریم که سیاست‌های غلطی در دانشگاه صورت می‌گیرد. نمی‌گوییم این سیاست‌گذاری‌ها لزوما از وزارتخانه‌ها نشئت می‌گیرد؛ این سیاست‌گذاری‌ها از برخی نهادهای دیگر هم می‌آید، اما ما محل بحثمان با نهاد انتخابی و با سازوکاری است که از دولت خارج می‌شود و با وزیر علوم، عالی‌ترین مرجع در این زمینه می‌توانیم صحبت کنیم. تجلی این سیاست‌گذاری‌ها در بحث

علمی خیلی پررنگ است؛ همان بحث‌هایی که اول داشتیم. موضوعاتی مثل همان کالایی‌سازی علم که اگر بتوانیم بازتر کنیم، مصداقش همین پولی‌شدن دانشگاه است. پیش‌تر گفتیم که ۸۵ درصد هزینه از دانشجو دریافت می‌شود؛ این دانشگاه را به چه سمت و سویی خواهد برد؟ این سیاست‌گذاری‌های غلط، مشکلات گسترده‌ای به وجود آورده و در کنار آن افعال مدیرانی که در دانشگاه‌ها مشغول فعالیت هستند و مدیرانی که به‌ویژه در نیمه دوم دولت گذشته در رأس کار بودند؛ انتظارات بیشتری از آنها می‌رفت. مثلا در مواجهه با برخی فشارهای بیرونی در دانشگاه، انگار آرمان دولت این است که دانشگاهی داشته باشد که برایش مخاطره نیافرند؛ دانشگاه سلاکت باشد، اتفاقی در آن نیفتد، رسانه‌ای نشود، بعدش جنجال

حرف ما در کمپین،

تغییر وزیر نیست، تغییر سیاست‌ها و تحقق مطالبات است. این حرف اصلی است که ما در کمپین دنبال می‌کنیم. کمپین با اینکه فلاتی وزیر شود، به اتمام نمی‌رسد؛ به حرف ما هم نیست که این آقا بشود وزیر و... ما مطالباتی داریم که در جهت تحقق آن مطالبات حرکت می‌کنیم؛ پس آن مطالبات را ما نوشتیم

•

علمی خیلی پررنگ است؛ همان بحث‌هایی که اول داشتیم. موضوعاتی مثل همان کالایی‌سازی علم که اگر بتوانیم بازتر کنیم، مصداقش همین پولی‌شدن دانشگاه است. پیش‌تر گفتیم که ۸۵ درصد هزینه از دانشجو دریافت می‌شود؛ این دانشگاه را به چه سمت و سویی خواهد برد؟ این سیاست‌گذاری‌های غلط، مشکلات گسترده‌ای به وجود آورده و در کنار آن افعال مدیرانی که در دانشگاه‌ها مشغول فعالیت هستند و مدیرانی که به‌ویژه در نیمه دوم دولت گذشته در رأس کار بودند؛ انتظارات بیشتری از آنها می‌رفت. مثلا در مواجهه با برخی فشارهای بیرونی در دانشگاه، انگار آرمان دولت این است که دانشگاهی داشته باشد که برایش مخاطره نیافرند؛ دانشگاه سلاکت باشد، اتفاقی در آن نیفتد، رسانه‌ای نشود، بعدش جنجال

درست نشود؛ انگار تنها وظیفه‌ای که برای مدیران دانشگاهی تعریف شده، همین است و این مشکل اساسی است.

❧ الان می‌خواهید چه‌کار کنید؟ برای شروع کمپین چه کردید؟ چند امضا جمع کردید؟ قرار است چه اتفاقی بیفتد؟ چه کسانی به شما ملحق شده‌اند؟

در حقیقت جمعی از بچه‌های علمی خیلی وقت پیش ایده‌ای به ذهنشان رسید درخصوص این مشکلات که بایبند این مشکلات را که نقد منطقی به آن وارد است، مطرح کنند. در این مسیر این پیشنهاد به گروه‌های مختلف دانشجویی، به بحث گذاشته شد، چون نقدها تنها به یک حوزه وارد نیست. این نقدها و مطالباتی که ما داریم، درهم‌تنیده است و خیلی از آنها بر دیگری اثر می‌گذارد و نشئت‌گرفته از یک چیز کلان‌تر است. در این جمع بچه‌های نشریات همکاری بسیار خوبی دارند. جمعی از بچه‌های انجمن‌های اسلامی از دانشگاه‌ها به این کمپین پیوستند، جمع زیادی از بچه‌های شورای صنفی به این کمپین پیوستند و اولین خروجی این مجموعه همان نامه‌ای بود که نوشته شد و دغدغه‌های جوامع مختلف دانشجویی و حوزه‌های مختلف دانشجویی در آن متجلی شد. ما اعلام کردیم آنهاهی که واقعا دغدغه‌مند هستند و این مسائل برای آنها مطرح است، به کمپین بپیوندند و پای آن نامه را امضا کنند؛ البته این اولین حرکت کمپین بود. در این مسیر دست‌کم هشت هزار دانشجو به کمپین پیوستند و نامه را امضا کردند.

❧ تصور این کمپین چیست؟ یعنی با تغییروزیر مشکلات شما هم حل می‌شود؟

نه، ببینید، حرف ما در کمپین، تغییر وزیر نیست، تغییر سیاست‌ها و تحقق مطالبات است. این حرف اصلی است که ما در کمپین دنبال می‌کنیم. کمپین با اینکه فلاتی وزیر شود، به اتمام نمی‌رسد؛ به حرف ما هم نیست که این آقا بشود وزیر و... ما مطالباتی داریم که در جهت تحقق آن مطالبات حرکت می‌کنیم؛ پس آن مطالبات را ما نوشتیم. می‌توانیم تیتروار به همه آنها اشاره کنیم و در خلال صحبت‌هایمان است. اما هدف اصلی کمپین، انتخاب وزیر نیست، رسیدن به مطالبات و شین صدای دانشجو است. ما در نظر داریم که صدا و حرف دانشجویها منتقل شود و امیدوار باشیم و تلاش کنیم برای این قضیه که مجموعه مدیران دولتی این حرف‌ها را بشنوند و پیگیری این مطالبات باشند؛ این هدف اصلی کمپین است. مثلا همین بحث درباره آقاسی فرجی اتفاق افتاد و با اینکه آقای روحانی تا حدودی هزینه بازگشت آقای فرجی را هم داده بود و او را رئیس ستاد دانشگاهیان خود قرار داد، اما ایشان به‌عنوان وزیر در همان زمان معرفی نشد؛ چرا؟ چون پیشاپیش قرار نیست این شعار بیشتر از شعار باشد. شاید نسبت به این فضا در بعضی از موارد مقداری نگاه بدبینانه باشد، اما به نظر می‌آید اولویت دولت، دانشگاه نیست، به نظر می‌آید دولت پیشاپیش دنبال دانشگاهی است که صدایی از آن درنیابد. آقاسی مطهری درباره این قضیه دقیق گفتند؛ گفتند اینکه آقای فرهادی بعد از چندین وزیر می‌آید و رأی اعتماد می‌گیرد، به این دلیل است که بدبستانی اتفاق افتاده است، به نظر می‌آید این معامله نه‌تنها در این دولت ادامه پیدا می‌کند، بلکه به احتمال زیاد جدی‌تر پیگیری می‌شود. اصولا فکر می‌کنیم درباره دانشگاه فقط و فقط دارد با این مدل برخورد می‌شود که قرار نیست مطالباتی از آن شنیده شود و قرار است به‌صورت نمادین دانشگاه در هر بازی‌ای از آقای روحانی با تیم متبوع ایشان حمایت کند.

ادامه در صفحه ۱۸

سودوکو سخت ۱۸۸۴

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

سودوکو ۱۸۸۴

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

حل سودوکو سخت

۸	۹	۵	۱	۶	۷	۳	۲	۴
۱	۷	۲	۹	۴	۸	۵	۶	
۴	۶	۳	۵	۹	۱	۷	۱	
۷	۴	۶	۲	۸	۱	۵	۳	۹
۵	۱	۹	۷	۶	۲	۴	۸	
۲	۳	۸	۴	۵	۹	۱	۶	۷
۳	۸	۴	۶	۹	۵	۷	۱	۲
۶	۵	۷	۸	۱	۲	۴	۹	۳

حل سودوکو ۱۸۸۳

۶	۷	۸	۲	۱	۹	۴	۵	۳
۱	۲	۹	۳	۵	۴	۸	۶	۷
۵	۴	۳	۸	۷	۱	۲	۹	
۸	۵	۲	۶	۴	۱	۹	۳	۶
۷	۶	۴	۵	۹	۳	۲	۱	۸
۳	۹	۱	۸	۶	۲	۷	۴	۵
۲	۸	۵	۴	۷	۶	۳	۹	۱
۹	۳	۷	۱	۲	۵	۶	۸	۴
۴	۱	۶	۹	۳	۸	۵	۷	۲

جدول ۲۸۸۷

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۵	۱	۱۰	۵	۲	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰
۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۱۹	۲۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳
۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۱	۲	۳	۴
۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۱
۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۸	۱۹	۲۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲
۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۱	۲	۳
۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰
۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۹	۲۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳
۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۱	۲	۳	۴
۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۱
۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۸	۱۹	۲۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲
۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۱	۲	۳
۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰
۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۹	۲۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳
۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۱	۲	۳	۴
۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۱
۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۸	۱۹	۲۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲
۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۱	۲	۳
۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰
۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۹	۲۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳
۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۱	۲	۳	۴
۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۱
۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۸	۱۹	۲۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲
۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۱	۲	۳
۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰
۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۹	۲۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳
۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۱	۲	۳	۴
۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۱
۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۸	۱۹	۲۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲
۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۱	۲	۳
۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰
۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۹	۲۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳
۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۱	۲	۳	۴
۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۱
۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۸	۱۹	۲۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲
۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۱	۲	۳
۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰
۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۹	۲۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳
۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۱	۲	۳	۴
۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۱
۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۸	۱۹	۲۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲
۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۱	۲	۳
۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷			